

دادرسیهای الکترونیکی؛

ضرورتها، الزامات و چالشها*

□ ستار زركلام^۱

چکیده

در جوامع مدنی، مراجعه به دادگستری و احقاق حق، یکی از حقوق اولیه و مسلم شهروندان به شمار می‌رود. تا قبل از پیدایش رایانه، نرم‌افزار و به ویژه ظهور و گسترش شاهراههای اطلاعاتی یا اینترنت، مراجعه حضوری اصحاب دعوی و استفاده از قالبهای کاغذی، برای هر نوع دادرسی ضروری و اجتناب‌ناپذیر بود. با توسعه ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی، لزوم حضور اصحاب دعوی و استفاده از کاغذ در فرایند دادرسی کاهش یافته است. بیش از یک دهه است که کشورهای پیشرفته برای الکترونیکی شدن روند دادرسیها تلاش می‌کنند و در صدد هستند تا روند دادرسی از راه دور و با بهره‌گیری از روشهای الکترونیکی صورت گیرد. در این مقاله، مؤلف می‌کوشد تا پس از توصیف دادرسی الکترونیکی و ویژگیهای آن، ضرورت الکترونیکی شدن دادرسیها، الزامات استفاده از روشهای الکترونیکی در دادرسیها و سرانجام

چالش‌های حقوقی چنین استفاده‌ای را به صورت علمی مورد مطالعه قرار دهد.
 واژگان کلیدی: دادرسی الکترونیکی، رایانه‌ای کردن اطلاعات، داده‌پیام،
 امضای الکترونیکی، گواهی الکترونیکی، اصول اسناد الکترونیکی.

مقدمه

الکترونیکی شدن دادرسیها علاوه بر کاستن حجم مبادلات کاغذی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، وقت و انرژی، از اطلاع دادرسی جلوگیری می‌کند و احقاق حقوق مردم را در زمان کوتاه‌تری ممکن می‌سازد. استفاده از شیوه‌های الکترونیکی در فرآیند دادرسی، نتایج دیگری نیز به همراه دارد که از آن جمله می‌توان به: بالا بردن سطح اعتماد عمومی به دستگاههای اجرایی، کاستن از نارضایتیهای عمومی و حتی کاهش جرایم مرتبط مانند جرایم راهنمایی و رانندگی و جرایم علیه تمامیت جسمانی و اموال اشاره کرد.

با این همه برای تأمین دادرسیهای الکترونیکی مانند سایر ابعاد دولت الکترونیک، وجود زیرساختهای فنی و حقوقی ضرورت دارد. در زمینه زیرساختهای فنی، ظاهراً چند سالی است که مشکلات موجود برطرف شده است. درباره زیرساختهای حقوقی هم می‌توان گفت که با تصویب قانون تجارت و قانون جرایم رایانه‌ای گامهای اساسی برداشته شده است. ولی این قوانین باید با قوانین و آیین‌نامه‌های متعدد دیگر تکمیل شود. آخرین اقدام قانونی مهم در این زمینه برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۹۰-۹۴) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۳۰ است که یک فصل را به «نظام اداری و مدیریت فناوری اطلاعات» اختصاص داده و در مواد ۴۶ تا ۴۹ تکالیف دستگاههای اجرایی را برای دستیابی به اهداف دولت الکترونیک برشمرده است. به ویژه ماده ۴۸ این قانون، مقررات قانون تجارت الکترونیک را تکمیل می‌کند و می‌تواند در سازماندهی دادرسیهای الکترونیکی مورد استفاده قرار گیرد.

این مقاله پس از بررسی مفهوم و ویژگیهای دادرسی الکترونیکی، به دنبال تبیین ضرورت استفاده از فناوریهای نوین در روند دادرسی و بازنگری در دادرسی کاغذی و مراجعه حضوری اشخاص ذی‌نفع، و نیز تعیین قلمرو و محدوده برای دادرسیهای الکترونیکی است. از سوی دیگر، پیش‌نیازها و الزامات الکترونیکی شدن دادرسیها را بررسی می‌کند که از مهم‌ترین آنها رایانه‌ای شدن اطلاعات

حقوقی و غیر حقوقی و سیستم گواهی و امضای الکترونیکی است. قسمت آخر مقاله به بررسی چالشهایی می‌پردازد که الکترونیکی شدن دادرسیها به دنبال دارد. مهم‌ترین آنها چگونگی تنظیم شکواییه‌ها و دادخواستها و سایر اوراق قضایی و نیز انجام استعلامها و ابلاغها و ارسال احضاریه‌ها با استفاده از روشهای الکترونیکی و سرانجام پرسشهایی است که لزوم ارائه اصول اسناد الکترونیکی مطرح می‌کند.

مفهوم و ویژگیهای الکترونیکی شدن دادرسیها

دادرسی الکترونیکی^۱ که از آن به دادگستری الکترونیکی،^۲ دادرسی دیجیتال،^۳ دادرسی مجازی،^۴ دادرسی سایبری،^۵ دادرسی رایانه‌ای از راه دور^۶ و... هم تعبیر می‌شود (Edvarado de Resende Chaves Junior, 2010: 195)، توسط اتحادیه اروپا، به استفاده از ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی در حیطه دادگستری تعریف شده است (European Council, 2000). بنابراین منظور از دادرسی الکترونیکی، بهره‌برداری از ابزارها و روشهای الکترونیکی ارتباطی و اطلاعاتی برای طرح دعوی در دادگاه و انجام فرایند دادرسی از تسلیم دادخواست و شکواییه و ابلاغ اوراق قضایی تا رسیدگی به دعوی و دلایل و صدور رأی و اجرای آن است. تلفن همراه، نشانی رایانامه و وبگاههای اینترنتی از مهم‌ترین این ابزارها هستند.

به نظر یک قاضی و حقوقدان برزیلی، وجود هفت اصل یا ویژگی برای دادرسی الکترونیکی ضروری است (Edvarado de Resende Chaves Junior, 2010: 202-215). این ویژگیها به طور خلاصه عبارتند از: ماهیت غیر مادی،^۷ اتصال به شبکه،^۸ واسطه‌گری،^۹

1. Electronic proceeding.
2. E-justice.
3. Digital proceeding.
4. Virtual proceeding.
5. Cybernetic proceeding.
6. Tele-computerized proceeding.
7. Immateriality.
8. Connection.
9. Intermediality.

ماهیت فوق واقع،^۱ تعامل،^۲ فوریت^۳ و فرامرزی بودن.^۴

ضرورت الکترونیکی شدن دادرسیها

استفاده از فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی نوین در دادرسیها به دو دلیل ضرورت دارد:

الف) صرفه جویی در وقت، انرژی و هزینه‌ها

در حال حاضر احقاق حق در دادگستری بر مبادلات کاغذی و مراجعه حضوری طرفین ذی‌نفع استوار است و مراجعه کنندگان برای طرح دعوا، اعتراض به آراء، ثبت لوایح، انجام استعلامها، آگاهی از وضعیت پرونده و... باید ساعتها منتظر شوند و حتی ممکن است کارشان به روزهای بعد موکول شود و این مستلزم صرف وقت و انرژی است که این انرژی هم شامل استفاده از حاملهای انرژی نظیر بنزین، گاز و... می‌شود و هم می‌تواند به معنای صرف نیرو و توان در راهروهای دادگستری به جای به کارگیری آن در راستای کار و تخصص باشد.

ب) کوتاه کردن دادرسی با دسترسی آسان و فوری به عدالت

یکی از اصول مسلم دادرسی که در حقوق داخلی برخی کشورها و مقررات بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته، لزوم فوریت در فرایند دادرسی و احقاق حق است. دلیل این ضرورت چنین بیان شده است:

هنگامی که... دادرسیها به گونه غیر معقولی به درازا می‌کشد، مراجعان به دادگستری امید به احقاق حق و دفع ستم و تجاوز را از دست می‌دهند... (کاشانی، ۱۳۸۳: ۲۰۵).

در همین زمینه، مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی^۵ در ماده ۷ از پیش‌نویس اصول دادرسی فراملی تحت عنوان «اجرای فوری عدالت» مقرر می‌دارد:

۱-۷- دادگاه باید اختلاف طرفین را در مدت زمان متعارف حل و فصل کند.

1. Hyper-reality.
2. Interaction.
3. Instantaneity.
4. Deterritorialization.
5. UNIDROIT.

۲-۷- اصحاب دعوا مکلفند با دادگاه همکاری کنند و حق دارند که به طور متعارف طرف مشورت دادگاه در برنامه زمانی رسیدگی قرار گیرند. برنامه زمانی متعارف رسیدگی و مواعد آن به موجب قواعد دادرسی و دستورات قضایی دادگاه تعیین می‌شوند... (۱۳۸۷: ۳۱).

در دادگستری کنونی، کثرت دعاوی مطرح شده و در نتیجه تعداد زیاد دعاوی ورودی به هر شعبه، کمبود قضات و ضعف مدیریت، تکیه بر مبادلات کاغذی و لزوم مراجعه حضوری اشخاص ذی‌نفع باعث اطاله دادرسی و کندی روند رسیدگی شده است. چنین وضعیتی در دادرسیهای کیفی هم وجود دارد (گلدوست جویباری و اکبری، ۱۳۹۰: ۲۸۹). بدون تردید، الکترونیکی شدن دادرسیها می‌تواند به صورت قابل ملاحظه‌ای از مدت زمان رسیدگی به دعاوی بکاهد و به روند احقاق حق سرعت دهد.

قلمرو الکترونیکی شدن دادرسیها

از پرسشهای اساسی در این زمینه آن است که آیا دادرسیهای کنونی که بر پایه مبادلات کاغذی و مراجعه حضوری طرفین استوار هستند باید به شکلی کامل و الزام آور جای خود را به دادرسیهای الکترونیکی بدهند، به گونه‌ای که تمامی اعمال مرتبط با دادرسی -مانند رسیدگی به دعوا و صدور حکم- از راه دور و با استفاده از داده‌پیام و روشهای الکترونیکی یا وسایل ارتباطی دیگر نظیر ویدئو کنفرانس صورت گیرد یا استفاده از فناوریهای نوین باید اختیاری و معطوف به اموری باشد که به تسریع دادرسی و احقاق حق و صرفه‌جویی در زمان، انرژی و هزینه‌ها منجر می‌شود؟ دو راهکار فراروی ماست که به بررسی هر یک می‌پردازیم:

الف) اختیاری بودن فرایند دادرسی الکترونیکی برای اصحاب دعوی (مطلوب)

بر اساس مطالعات انجام شده در کشورهای فرانسه، ایتالیا، آلمان، ایالات متحده آمریکا و انگلستان، بیشتر این کشورها بر ماهیت اختیاری بودن استفاده از روشهای الکترونیکی در جریان دادرسی تأکید کرده‌اند (Gacón Inchausti, 2010: 55). ولی

برخی، میان اشخاص مختلفی که در امر دادگستری دخالت دارند قائل به تفکیک شده‌اند (Ibid.). این دیدگاه - که منطقی و موجه به نظر می‌رسد - معتقد است که در آنچه به حکومت و دستگاه قضایی مربوط می‌شود می‌توان انتظار داشت که آنها برای جلوگیری از اطاله دادرسی و تراکم پرونده‌ها و به ویژه تسریع در احقاق حقوق مردم، از ابزارها و روشهای الکترونیکی استفاده کنند. در این زمینه می‌توان برخی از مقررات قانون برنامه پنجم توسعه را گامی در این راستا توصیف کرد. از یک سو، بند ج ماده ۴۶ قانون برنامه پنجم توسعه، دستگاههای اجرایی را مکلف کرده است «تا پایان سال دوم برنامه نسبت به ارسال و دریافت الکترونیکی کلیه استعلامات بین دستگاهی و واحدهای تابعه آنها با استفاده از شبکه ملی اطلاعات و رعایت امنیت اقدام نمایند» و از سوی دیگر، بند ج ماده ۴۸ قانون برنامه پنجم توسعه مقرر می‌دارد: در هر موردی که به موجب قانون، تنظیم اوراق یا اسناد و همچنین صدور یا اعطای مجوز، اخطار و ابلاغ، مبادله وجه و مانند آن ضروری باشد، انجام الکترونیکی آن با رعایت مفاد قانون تجارت الکترونیک مجاز بوده و کفایت می‌نماید.

در حقوق فرانسه بر ماهیت اختیاری و مبتنی بر رضایت استفاده از روشهای الکترونیکی در دادرسیهای اداری تأکید شده است. از سوی دیگر، این رضایت و اختیار با استفاده و کیل یا طرف دعوا از روشهای الکترونیکی مفروض تلقی می‌شود (آیین نامه شماره ۲۲۲-۲۰۰۵ مورخ ۱۰ مارس ۲۰۰۵ نگارش کنترل شده در تاریخ ۱۳ اکتبر ۲۰۱۱).

بنابراین استفاده از فناوریهای نوین در دادرسیها، حداقل در آنچه که به اصحاب دعوی مربوط می‌شود باید اختیاری و محدود به برخی تشریفات دادرسی و رفع مشکلاتی شود که در حال حاضر سیستم مبتنی بر کاغذ و مراجعه حضوری ایجاد کرده است. این مشکلات به ویژه در زمینه تقدیم شکواییه کیفری، دادخواست حقوقی، اعتراضات و لوایح، ابلاغ اوراق قضایی و استعلامها وجود دارد.

ب) جایگزینی کامل و الزامی نقش قاضی و اصحاب دعوی با ابزارها و روشهای الکترونیکی (نامطلوب)

در برخی دادرسیها که مراجعه حضوری اصحاب دعوی تأثیر چندانی در روند

رسیدگی به پرونده ندارد، امکان سازماندهی دادرسی الکترونیکی به طور کامل وجود دارد؛ مانند: دعاوی دارای ماهیت اداری به ویژه دعاوی قابل طرح در دیوان عدالت اداری یا برخی دعاوی کیفری نظیر تخلفات رانندگی یا جرایم مادی صرف همچون صدور چک پرداخت‌نشده و برخی دعاوی مدنی همانند دعاوی امور حسبی، طلاق توافقی و غیره. برعکس، در دعاوی که مراجعه حضوری اصحاب دعوی در دادگاه و در جلسات دادرسی، ضروری و مؤثر است، الکترونیکی کردن کامل روند دادرسی به گونه‌ای که نقش قاضی و اصحاب دعوی کم‌رنگ شود، مطلوب نیست. در توجیه این دیدگاه می‌توان به لزوم رعایت اصل عدم تبعیض، توجه به نقش قاضی در سازش بین طرفین و حفظ ماهیت انسانی دادرسی اشاره کرد.

۱. اصل برابری اصحاب دعوی در دادرسی یا اصل عدم تبعیض

یکی از اصول مهم دادرسی، برابری اصحاب دعواست. یعنی طرفین دعوی باید از فرصتهای برابر برای طرح ادعاها و دفاعیات خود برخوردار شوند و از هرگونه تبعیض بین آنان اجتناب شود. این اصل در ماده ۳ اصول دادرسی فراملی پیشنهاد شده توسط مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی آمده است:

۱-۳- دادگاه باید امکان برخورداری متداعیین از رفتار برابر و فرصت متعارف جهت طرح ادعا یا دفاع آنان را تضمین کند.

۲-۳- حق برخورداری متداعیین از رفتار برابر شامل اجتناب از هر نوع تبعیض نامشروع، به خصوص بر مبنای تابعیت یا محل اقامت طرفین می‌شود... (۱۳۸۷: ۳۱).

الکترونیکی شدن کامل دادرسی ایجاب می‌کند که همه اصحاب دعوی نه تنها به اینترنت و سایر وسایل ارتباطی الکترونیکی مجهز باشند، بلکه دارای امضای الکترونیکی قابل گواهی به کمک دفاتر خدمات گواهی الکترونیکی باشند. بدیهی است تصور اینکه تمام مراجعه‌کنندگان به دادگستری بتوانند حداقل تا دو دهه آینده از چنین امکاناتی بهره‌مند باشند بسیار خوش‌بینانه است. بنابراین الزام اصحاب دعوی به استفاده از فناوریهای نوین اطلاعاتی، به نوعی تبعیض بین طرفین دعوی و سلب حق مراجعه به دادگستری و احقاق حق منجر می‌شود و آنها را در موقعیت نابرابر قرار می‌دهد.

۲. فراهم کردن شرایط سازش بین طرفین

مواد ۱۸۶ و ۱۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی به درخواست سازش اختصاص یافته است. بی تردید دقیق‌ترین و عادلانه‌ترین حکم دادگاه نیز نمی‌تواند جایگزین سازش شود؛ زیرا در هر صورت یک طرف دعوی از این حکم ناراضی خواهد بود و ریشه اختلاف به معنای واقعی فقط با سازش و مصالحه از میان برداشته می‌شود. استفاده صرف از دادرسی الکترونیکی و مبادله نظرات از طریق داده‌پیام نمی‌تواند جایگزین مراجعه حضوری طرفین و گفتگوی رودررو و تأثیر و تأثر متقابل (بین اصحاب دعوی از یک سو و بین اصحاب دعوی و قاضی از سوی دیگر) شود و شرایط لازم را برای سازش فراهم سازد.

۳. حفظ ماهیت انسانی روند دادرسی

هرچند پیشرفتهای فنی در زمینه ارتباطات و اطلاعات، نحوه تعامل بین دادگاه و شهروندان و سایر اشخاص وابسته به دادگستری را تغییر داده، ولی آیا استفاده از این فناوریها می‌تواند واکنش، دانایی، تأثیر و تأثر متقابل و در یک جمله رفتار انسانی را که در یک دادرسی حضوری و مبتنی بر گفتگو وجود دارد، به همراه داشته باشد؟ در آنچه که به قاضی و عمل قضاوت مربوط می‌شود نیز این پرسش مطرح است که آیا هوشمندی مصنوعی فناوری می‌تواند جانشین و واکنش، تأثیری‌پذیری، هوشمندی انسانی، تجربیات و پختگی یک قاضی شود؟

برخی از حقوق‌دانان در مقابل پرسشی مشابه، صرفه‌جویی در وقت و هزینه و دسترسی به دادگستری در هر زمان و مکانی را به فی‌البداهه بودن دادرسی و رویارویی مستقیم طرفین دعوی و حضور گواهان ترجیح داده‌اند (Carrington, 2010: 166-167)، ولی به اعتقاد برخی دیگر، پاسخ در هر دو مورد و بدون هیچ تأملی، منفی است. گفتگو و درک متقابل، واکنشهای طبیعی، تردیدها، ارزیابی یک موضوع و تلاش برای درک محتوا و قلمرو آن، استدلالهای فی‌البداهه با توجه به گفته‌های قاضی و طرف مقابل، فقط در یک دادرسی حضوری و مبتنی بر رابطه انسانی میسر است (Binet, 2005).

الزامات دادرسیهای الکترونیکی

برای الکترونیکی کردن دادرسیها اعم از حقوقی و کیفری، علاوه بر لزوم سیستم اتوماسیون اداری که تقریباً در همه دستگاہهای اداری انجام شده و نیز رایانه‌ای کردن اطلاعاتی که توسط دستگاہهای اجرایی دریافت یا تولید می‌شود و سرانجام رایانه‌ای کردن اطلاعات حقوقی شامل قوانین، آیین‌نامه‌ها، رویه‌های قضایی و نظریات مشورتی، مهم‌ترین مقدمه الکترونیکی شدن دادرسیها، استفاده دادگاہها، اصحاب دعوی، وکلای آنان و سایر اشخاص وابسته به دادگستری، از امضا و گواهی الکترونیکی است. بدین منظور پیش‌شرطهای دیگری نیز وجود دارد مانند اینکه این اشخاص باید از سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای لازم برای مبادلات الکترونیکی برخوردار باشند و برای استفاده از این ابزارها آموزشهای لازم را فرا گرفته باشند.

الف) کارکرد، تعریف و انواع امضای الکترونیکی

در محیطهای کاغذی، امضا سه کارکرد اصلی را ایفا می‌کند: شناسایی امضاکننده (کارکرد تعیین هویت)، ایجاد اطمینان لازم برای دخالت شخص در عمل امضا (کارکرد به عنوان دلیل) و برقراری پیوند بین امضاکننده و محتوای سند (کارکرد انتساب). از دیگر کارکردهای امضا، تعهد امضاکننده به محتوای یک سند و نشان دادن حضور شخص در یک زمان یا مکان مشخص است (کمیسسیون حقوق تجارت بین‌المللی سازمان ملل متحد «آنسیترال»، ۱۳۹۰: ۳۴). در فرایند دادرسی، اشخاصی که اوراق قضایی، مانند: دادخواست، شکواییه، اعتراضات، لوایح، ابلاغها، آراء، اجرائیه‌ها و... را به طرف مقابل می‌فرستند، باید بتوانند هویت، دخالت در تنظیم سند و پیوستن خود را به محتوای سند اثبات کنند. در خصوص دادخواست، بند ۷ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی راجع به شرایط دادخواست، امضای دادخواست‌دهنده و در صورت ناتوانی، اثر انگشت او را ضروری می‌داند. بنابراین تردیدی نیست که سایر اوراق قضایی نیز باید دارای امضا باشند. ماده ۷ قانون تجارت الکترونیک مقرر می‌دارد که «هرگاه قانون وجود امضا را ضروری بداند، امضای الکترونیکی مکفی است» و با عنایت به بند ۲ ماده ۲ این قانون «امضای الکترونیکی عبارت از هر نوع

علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به داده پیام است که برای شناسایی امضاکننده مورد استفاده قرار می‌گیرد». طبق بند الف ماده ۲ همین قانون «داده پیام هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فناوریهای جدید اطلاعات، تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود». این تعریف از امضا در واقع تعریف امضای الکترونیکی ساده است. در مقابل، امضای الکترونیکی مطمئن یا پیشرفته با توجه به ماده ۱۰ قانون تجارت الکترونیک باید دارای چهار ویژگی باشد: نسبت به امضاکننده منحصر به فرد باشد، هویت امضاکننده داده پیام را معلوم کند، به وسیله امضاکننده یا تحت اراده انحصاری او ایجاد شده باشد و به گونه‌ای تولید و متصل به داده پیام باشد که هر تغییری در داده پیام قابل تشخیص و کشف باشد (برای توضیح بیشتر، ر.ک: لینان دلفون، ۱۳۹۰: ۱۵۱-۲۰۷).

ب) کارکرد، تعریف و انواع گواهی الکترونیکی

گواهی الکترونیکی، تضمین لازم را برای تعیین اینکه آیا کسی یا چیزی که در محیط دیجیتالی است، همانی است که ادعا می‌کند، فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، گواهی، در برقراری اطمینان برای تجارت الکترونیک، مدیریت الکترونیکی و روابط اجتماعی بی‌شمار دیگر نقش اساسی ایفا می‌کند. گواهی همچنین عنصر اصلی هرگونه استراتژی در زمینه حمایت از سیستمهای اطلاعاتی و شبکه‌ای، داده‌های مالی، اطلاعات شخصی و سایر داده‌ها در مقابل دسترسی غیر مجاز یا سرقت هویت به شمار می‌آید. سرانجام، گواهی الکترونیکی برای برقراری مسئولیت برخط^۱ اجتناب‌ناپذیر است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، ۲۰۰۷). دو اصطلاح امضای الکترونیکی و گواهی الکترونیکی معمولاً با هم به کار می‌روند؛ زیرا امضاهای الکترونیکی باید به صورت الکترونیکی گواهی شوند. گواهیهای الکترونیکی با توجه به نوع آن می‌تواند حسب مورد، موارد زیر را تأیید کند: شناسایی افراد، تصدیق هویت کاربران، تمامیت پیام یا مستندات الکترونیکی، محرمانگی، انکارناپذیری، تأمین امنیت ارتباطات (مؤمن کاشانی و نوروزی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۵۲).

1. Online.

در این زمینه، استفاده از تجربیات حقوق فرانسه می تواند مفید باشد. در واقع، هرچند ماده ۱-۱۳۱۶ قانون مدنی آن کشور نوشته های الکترونیکی را در حکم نوشته کاغذی قلمداد کرده،^۱ بر اساس ماده ۵ آیین نامه راجع به تجربه تسلیم و انتقال دادخواستها، لوایح و ابلاغ تصمیمات از طریق الکترونیکی مصوب ۲۰۰۵ و اصلاحات بعدی آن، «دادخواستها و لوایح ارسالی به دادگاه به یاری روش الکترونیکی انتقال توسط طرفین یا وکلای آنان مطابق فنون پیش بینی شده در بخشنامه دولتی مذکور در بند ۲ ماده ۱ گواهی می شوند. این گواهی در حکم امضا در اجرای مواد... قانون دادگستری اداری است». با این حال، بند دوم ماده ۵ ادامه می دهد که رئیس دادگاه یا شورای اداری... می تواند از شخص ذی نفع بخواهد نسخه ای از دادخواست یا لایحه ای را که امضای دستی او بر روی آن درج شده، ارائه کند.

چالشهای دادرسی الکترونیکی

هرچند با تصویب قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲، زیرساختهای حقوقی لازم برای الکترونیکی شدن دادرسی فراهم شده است، مقررات این قانون در زمینه دلایل و امضای الکترونیکی برای الکترونیکی کردن برخی از تشریفات دادرسی کافی نیست. به ویژه در آنچه به اصول اسناد الکترونیکی، ابلاغها و مدیریت دلایل الکترونیکی مربوط می شود، این قانون دارای خلأهایی است که وضع قواعد حقوقی جدید تحت عنوان «استفاده از فناوریهای اطلاعاتی یا ارتباطی در دادرسیها»، «آیین دادرسی الکترونیکی» یا عناوین مشابه دیگر را ضروری می نماید. این امر همچنین می تواند با اصلاح قانون آیین دادرسی و کیفری صورت پذیرد.

الف) مشکلات تنظیم و تسلیم اوراق قضایی با روشهای الکترونیکی

استفاده از روشهای الکترونیکی در دادرسیها با چالشهایی روبه روست. اولاً قانونی بودن و قابل استناد بودن استفاده از این روشها برای تنظیم اوراق قضایی و نیز ابلاغ آنها در

۱. برای ملاحظه ترجمه مواد ۱-۱۳۱۶ تا ۴-۱۳۱۶ قانون مدنی فرانسه که در سال ۲۰۰۰ به این قانون اضافه شده است، ر.ک: گزارش توجیهی پیش نویس قانون تجارت الکترونیکی وزارت بازرگانی،

محاكم محل بحث است. ثانياً پاسخ به اين پرسش ضروري است كه نحوه ابلاغ به اشخاص ذي نفع در جريان دادرسي چگونه و در چه زماني است؟ در نهايت اين پرسش وجود دارد كه آيا ابلاغ الكترونيكي اوراق قضايي، ابلاغي واقعي است يا قانوني؟

۱. قانوني بودن استفاده از روشهاي الكترونيكي

اولين مشكل اين است كه تشریفات دادرسي مانند ارائه دادخواست، تقديم لوائح و ابلاغ اوراق قضايي با استفاده از روشهاي الكترونيكي به رسميت شناخته شده، مورد قبول محاكم قرار گيرد. هرچند ماده ۶ قانون تجارت الكترونيك، داده پيام را (جز در مواردی خاص) هنگامی كه وجود يك نوشته از نظر قانون لازم باشد در حكم نوشته می داند و اين حكم، زمينه را برای پذیرش دادخواستها و لوائحی كه به صورت داده پيام می باشد فراهم کرده است، ولی تصریح قانون گذار در اين مورد ضرورت دارد.

بند ج ماده ۴۸ قانون برنامه پنجم توسعه را می توان پاسخ به چنین ضرورتی دانست: در هر موردی كه به موجب قانون، تنظیم اوراق یا اسناد و همچنین صدور یا اعطای مجوز، اخطار و ابلاغ، مبادله وجه و مانند آن ضروري باشد، انجام الكترونيكي آن با رعایت مفاد قانون تجارت الكترونيك مجاز بوده و كفايت می نماید.

درباره این مقرره قانونی ذکر چند نکته ضروري به نظر می رسد: اول اینکه هرچند در این حكم قانونی به صراحت از اوراق قضايي نام برده نشده، از آنجا كه مقنن در هر مورد كه تنظیم اوراق ضرورت داشته باشد، شكل الكترونيكي آن را با رعایت مقررات قانون تجارت كافي دانسته، می توان گفت كه با توجه به اطلاق عبارت «اوراق»، تنظیم و ارائه همه اوراق قضايي با استفاده از روشهاي الكترونيكي امكان پذیر است.

دوم اینکه امكان ابلاغ با استفاده از روشهاي الكترونيكي نیز صراحتاً در بند ج ماده ۴۸ قانون برنامه پنجم توسعه، به شرحی كه در بالا گفته شد، پیش بینی شده است. دادگستری می تواند بر مبنای این حكم قانونی روشهاي ابلاغ الكترونيكي را از طریق آيين نامه مشخص سازد. با این همه، در تهیه این آيين نامه باید به ماهیت اختیاری و مبتنی بر رضایت استفاده از روشهاي الكترونيكي در امر ابلاغ توجه شود.

همان طور که در حقوق فرانسه پیش‌بینی شده و قبلاً به آن اشاره شد، این ابلاغ در دو صورت می‌تواند در مقابل اصحاب دعوی قابل استناد باشد: اولین روش، اعلام کتبی موافقت اصحاب دعوی با ابلاغ الکترونیکی است. روش دوم، استفاده خود اصحاب دعوی از روشهای الکترونیکی برای تنظیم و ارسال دادخواستها و لوایح است که می‌تواند نشانه رضایت آنها از به کارگیری روشهای الکترونیکی باشد.

۲. چگونگی احراز زمان ابلاغ الکترونیکی

تعیین زمان دقیق ابلاغ به اصحاب دعوی یا تسلیم آنها توسط اشخاص ذی‌نفع به مراجع قضایی، از دیگر موضوعات حائز اهمیت است؛ زیرا با عنایت به مواد متعددی از قانون آیین دادرسی مدنی، قانون آیین دادرسی کیفری و دیوان عدالت اداری و نیز قوانین خاص سایر مراجع رسیدگی اداری، زمان ابلاغ به اصحاب دعوی، زمان شروع مهلت‌های قانونی برای انجام یک عمل دادرسی، اعتراض به آراء، اعتراض به نظریه‌های کارشناسی و... است. علاوه بر آن، زمان تسلیم و ارائه برخی اوراق قضایی مانند اعتراض به نظریه‌های کارشناسی و اعتراض به آرای صادرشده، تعیین‌کننده رعایت یا عدم رعایت مهلت‌های قانونی اعتراض از سوی شخص ذی‌نفع است. برای یافتن پاسخ علمی به پرسشی که در اینجا مطرح شده، مطالعه موضوع در محیط واقعی ضرورت دارد تا سپس چگونگی تأمین توقعات قانون در محیط‌های الکترونیکی بررسی شود.

توقعات قانونی در زمینه ابلاغ در محیط‌های واقعی

با توجه به مواد ۶۷ تا ۷۹ قانون آیین دادرسی مدنی معلوم می‌شود که منظور قانون‌گذار از ابلاغ، در وهله اول تسلیم اوراق قضایی به اصحاب ذی‌نفع (در مورد اشخاص حقیقی) و ابلاغ به نمایندگان قانونی (در مورد اشخاص حقوقی) است و چنانچه امکان تسلیم اوراق به این افراد وجود نداشت، در این صورت تسلیم اوراق به اشخاصی غیر از آنان ابلاغ قانونی محسوب خواهد شد.

هرچند در هیچ یک از مقررات قانونی، ابلاغ واقعی یا قانونی تعریف نشده است، هر جا که اوراق به ذی‌نفع (در مورد اشخاص حقیقی) یا نمایندگان قانونی (در مورد اشخاص حقوقی) تسلیم شود، ابلاغ واقعی است و در غیر این صورت ابلاغ به هر

روش و وسیله دیگر انجام شود، ابلاغ قانونی است (شمس، ۱۳۸۶: شماره‌های ۱۳۶-۱۸۱). با توجه به ارجاع ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری به مقررات ابلاغ در قانون آیین دادرسی مدنی، نتیجه‌گیری‌های پیشین در دادرسی‌های کیفری هم قابل اعمال خواهد بود. تفکیک ابلاغ واقعی از ابلاغ قانونی جنبه نظری صرف ندارد؛ زیرا هم در قانون آیین دادرسی مدنی و هم در قانون آیین دادرسی کیفری آثار متفاوتی برای هر یک از این دو شکل ابلاغ شناخته شده است. در قانون آیین دادرسی مدنی، واقعی یا قانونی بودن ابلاغ، از یک سو در قطعیت یا عدم قطعیت آرای غیابی (ماده ۳۰۶، بند ۴، تبصره ۱) و از سوی دیگر در نحوه اجرای حکم غیابی (ماده ۳۰۶، تبصره ۲) مؤثر است. در امور کیفری هم، اگر حکم غیابی به صورت واقعی ابلاغ شود، پس از طی مهلت قانونی قطعیت می‌یابد (قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۲۱۷).

حال باید دید توقعات قانونی در زمینه ابلاغ در محیط‌های واقعی چگونه با ابلاغ به روش‌های الکترونیکی برآورده می‌شود.

نحوه تأمین توقعات قانون‌گذار در ابلاغ الکترونیکی

هدف قانون‌گذار در محیط‌های واقعی، تسلیم اوراق قضایی به اشخاص ذی‌نفع یا نمایندگان قانونی اشخاص حقوقی و به عبارت دیگر ابلاغ واقعی است. با این حال با توجه به آثار متفاوتی که برای هر یک از دو ابلاغ واقعی و قانونی شناخته شده، معلوم می‌شود که منظور مقنن از عبارت «تسلیم» آگاهی واقعی ذی‌نفع از مفاد اوراق قضایی است. بنابراین برای تأمین نظر قانون‌گذار، استفاده از روش‌های الکترونیکی برای ابلاغ باید به گونه‌ای باشد که اشخاص ذی‌نفع از مفاد اوراق اطلاع یابند. مقررات ایران در زمینه چگونگی احراز زمان ابلاغ الکترونیکی ساکت است و ماده ۴۸ قانون برنامه پنجم توسعه نیز که پیشتر توضیح داده شد، صرفاً ناظر بر قانونی بودن ابلاغ الکترونیکی است، نه زمان احراز آن.

در حقوق فرانسه، ماده ۸ آیین‌نامه شماره ۲۲۲-۲۰۰۵ مورخ ۱۰ مارس راجع به تجربه تسلیم و انتقال دادخواستها، لوایح و ابلاغ تصمیمات از طریق الکترونیکی، راه حل دوگانه‌ای را پیش‌بینی کرده است:

در موردی که طرفهای دعوی یا وکلای آنان استفاده از شیوه الکترونیکی انتقال را انتخاب می کنند، چنین فرض می شود که لوایح، مدارک و تصمیمات اتخاذ شده در نتیجه رسیدگی به موضوع و تصمیمات قضایی، زمانی به آنان ابلاغ شده است که این اشخاص در آن تاریخ با استفاده از شیوه الکترونیکی این اسناد را ملاحظه می کنند یا در غیر این صورت، ظرف مهلت ۱۵ روز از تاریخ ارسال آنها به طریقه الکترونیکی که در این صورت در تاریخ اخیر به آنها ابلاغ شده محسوب می شود. رسید دریافت الکترونیکی در زمان ملاحظه سند به دادگاه ارسال می شود (Décret n. 2009-1524 du 9 décembre 2009).

به عبارت دیگر، نه تنها صرف ارسال داده پیام حاوی اوراق قضایی از سوی مرجع قضایی به اشخاص ذی نفع یا حتی دریافت آن کافی نیست، بلکه ضروری است که آنها از مفاد اوراق مطلع شده باشند. بدین منظور، ذی نفع برای اثبات زمان ملاحظه باید رسید دریافت الکترونیکی را به دادگاه ارسال کند. ولی از آنجا که ممکن است به دلایلی این اطلاع حاصل نشود، قانون گذار فرانسه زمان ابلاغ را ۱۵ روز پس از ارسال اسناد تلقی کرده است. به نظر می رسد در حقوق ایران نیز می توان راه حل مشابهی را پیش بینی کرد. با این همه، چون ممکن است اشخاص ذی نفع برای به تأخیر انداختن رسیدگی، علی رغم وصول داده پیام، نخواهند از مفاد آن مطلع شوند یا اطلاع از آن را منکر شوند و از این طریق امر ابلاغ را با مشکل مواجه سازند و در نتیجه موجب اطاله دادرسی شوند، باید دریافت داده پیام توسط شخص، نشانه اطلاع وی از مفاد آن تلقی شود. البته ذی نفع باید بتواند خلاف این اماره را اثبات کند، مثلاً با اثبات اینکه به دلایل موجه مانند وجود عوامل خارج از اراده (سرفت، آتش سوزی، زلزله، بیماری و نظایر آن)، دسترسی به سیستم اطلاعاتی^۱ ممکن نبوده یا سیستم اطلاعاتی خراب بوده و آگاهی از مفاد داده پیام حاوی اوراق قضایی ممکن نبوده است.

برابر ماده ۲۷ قانون تجارت الکترونیک ایران، «زمان دریافت داده پیام مطابق شرایط زیر خواهد بود: الف- اگر سیستم اطلاعاتی مخاطب برای دریافت داده پیام

۱. به موجب بند ز ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک، سیستم اطلاعاتی (Information system) سیستمی برای تولید (اصل سازی) ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش داده پیام است.

معین شده باشد دریافت زمانی محقق می‌شود که: ۱- داده‌پیام به سیستم اطلاعاتی معین داده شود. ۲- چنانچه داده‌پیام به سیستم اطلاعاتی مخاطب غیر از سیستمی که منحصرأ برای این کار معین شده، وارد شود، داده‌پیام بازیافت شود. ب- اگر مخاطب، یک سیستم اطلاعاتی برای دریافت معین نکرده باشد، دریافت زمانی محقق می‌شود که داده‌پیام وارد سیستم اطلاعاتی مخاطب شود».

در نتیجه هنگامی که ذی‌نفع طبق توافق انجام‌شده با مرجع قضایی، نشانی رایانامه، سایت یا شماره تلفن همراه خود را در اختیار این مرجع قرار می‌دهد، زمان دریافت داده‌پیام حاوی اوراق قضایی - مطابق مقررات ماده ۲۷ فوق-، زمان ابلاغ به وی محسوب خواهد شد. در عین حال، از آنجا که ممکن است ذی‌نفع به دلیل خرابی سیستم اطلاعاتی خود یا عدم دسترسی به آن، اسناد ابلاغ‌شده را دریافت نکند، می‌توان مانند حقوق فرانسه، مدت زمانی را پس از ارسال داده‌پیام، زمان ابلاغ تلقی کرد. ماده ۲۶ قانون تجارت الکترونیک، در زمینه زمان ارسال داده‌پیام مقرر می‌دارد: ارسال داده‌پیام زمانی تحقق می‌یابد که به یک سیستم اطلاعاتی خارج از کنترل اصل ساز^۱ یا قائم‌مقام وی وارد شود.

ب) مشکلات مرتبط با دلایل الکترونیکی

دلایل الکترونیکی از دو جنبه نیاز به مطالعه دارند؛ یکی از جهت نحوه مدیریت آنها در روند دادرسی و دیگر از جهت چالشهایی که در موارد استناد به آنها مطرح می‌شوند.

۱. مدیریت دلایل الکترونیکی

حقوق ایران در زمینه نحوه مدیریت دلایل الکترونیکی در دادگاه با چالش عمده‌ای مواجه نیست، هرچند که قوانین موجود در این زمینه نیاز به بازنگری و اصلاح دارند. با مرور مقررات قانون تجارت مشخص می‌شود که ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیک، به لزوم پذیرش دلایل الکترونیکی از سوی محاکم و ادارات تصریح کرده است: اسناد ادله اثبات ممکن است به صورت داده‌پیام بوده و در هیچ محکمه و اداره

۱. بر اساس بند ب ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی، اصل ساز (Originator) منشأ اصلی داده‌پیام است که داده‌پیام به وسیله آن تولید یا ارسال می‌شود و شامل شخص واسطه در داده‌پیام نمی‌شود.

دولتی نمی‌توان بر اساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی داده‌پیام را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد».

ماده ۱۷ همان قانون نیز ارجاع در داده‌پیام به داده‌های دیگر را تحت عنوان «اعتبار قانونی ارجاع‌دهی در داده‌پیام، عقد و اراده طرفین» مطرح کرده و ماده ۹ امکان جایگزینی داده‌پیام را با اسناد کاغذی را مورد توجه قرار داده است. سرانجام با توجه به ماده ۱۲ تا ۱۶ این قانون، امکان تعیین ارزش اثباتی دلایل الکترونیکی و نیز حل تعارض بین این دلایل با یکدیگر فراهم شده است. حل تعارض میان دلایل الکترونیکی و دلایل کاغذی هم با رجوع به مقررات عام راجع به ادله اثبات دعوی ممکن است (برای توضیح بیشتر، رک: لینان دلفون، ۱۳۹۰: ۱۷۶-۱۸۳).

۲. مسائل مرتبط با اصول و سوابق اسناد الکترونیکی

در این زمینه ضرورت ارائه اصول اسناد، مفهوم اصل الکترونیکی و شرایط نگهداری از سوابق و اصول الکترونیکی مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

ضرورت ارائه اصول اسناد در جریان دادرسی

ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی در مورد اسناد عادی و ماده ۲۲۰ همان قانون در مورد اسناد رسمی، ضرورت ارائه اصول این اسناد و ضمانت اجرای تخلف از آن را مشخص کرده است. در مواد ۲۰۶ تا ۲۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی نیز نحوه ارائه اسناد از سوی اصحاب دعوی و نیز چگونگی استناد به اسنادی که نزد ادارات دولتی یا بانکها یا شهرداری است بیان شده و تکلیف اصحاب دعوی و مؤسسات مزبور در این زمینه روشن گردیده است.

بنابراین چنانچه سند موضوع دعوی و مورد استناد یکی از طرفین دعوی به صورت داده‌پیام باشد، ارائه اصل آن به مرجع قضایی ضروری است و اصالت آنها نیز باید با توجه مواد ۸ و ۱۰ قانون تجارت الکترونیک اثبات شود. در خصوص قراردادهای الکترونیکی بین‌المللی هم، چنانچه کنوانسیون سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، رعایت شرایط و مقررات بندهای ۴ و ۵ ماده ۹ این کنوانسیون برای اثبات اصالت این اسناد ضرورت خواهد داشت (برای ملاحظه متن

ترجمه‌شده این کنوانسیون و تفسیر آن و نیز مقررات مرتبط با مفهوم اصل از دید این کنوانسیون، رک: رضایی، ۱۳۸۹: ۵۷-۹۳). برای نمونه، چنانچه اختلاف در تفسیر و اجرای قراردادی باشد که به صورت الکترونیکی و برخط منعقد شده و یکی از طرفین نسبت به اصل وجود قرارداد یا برخی از مواد آن تردید داشته باشد یا در مورد سوابق الکترونیکی مطمئن ادعای جعل کند، ارائه اصل الکترونیکی قرارداد ضرورت خواهد داشت.

مفهوم اصل در داده‌پیامهای الکترونیکی و شرایط استناد به آن

ماده ۸ قانون تجارت الکترونیک بدون تعریف داده‌پیام یا اسناد الکترونیکی اصیل، صرفاً شرایط نگهداری و ارائه اطلاعات را به صورت داده‌پیام و به صورت اصل پیش‌بینی کرده است. ماده ۱۱ نیز بدون تعریف داده‌پیام الکترونیکی «سابقه الکترونیکی مطمئن» را عبارت از داده‌پیامی دانسته که با رعایت شرایط یک سیستم اطلاعاتی مطمئن ذخیره شده و به هنگام لزوم در دسترس و قابل درک باشد. در واقع، منظور مقنن بیان سطح اطمینان نسبت به سوابق الکترونیکی است.

در آنچه به قابلیت استناد سوابق الکترونیکی مربوط می‌شود، از آنجا که این سوابق ممکن است در جریان ذخیره‌سازی، ارسال یا استفاده، مورد جعل، تحریف یا حذف قرار گیرند، در سال ۲۰۰۰، کارشناسان کشورهای گروه ۸ شامل کانادا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، روسیه و ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کردند که در ارائه دلایل دیجیتالی، به ۶ اصل توجه شود: رعایت تشریفات قانونی برای ارائه دلایل، تضمین عدم خدشه و تغییر در دلایل، امکان استناد به آنها برای ذی‌نفع، مستند بودن هر گونه ارائه، دسترسی، ذخیره‌سازی یا انتقال دلایل دیجیتالی، توجه به مسئولیت پردازش دلایل الکترونیکی. در سال ۲۰۰۵، وزارت امنیت عمومی چین نیز به موجب یک آیین‌نامه اجرایی اصول مشابهی را به عنوان اصول حاکم بر ارائه و بررسی دلایل دیجیتالی مقرر کرد (Baosheng & Huang, 2010: 143).

مدت نگهداری اصول الکترونیکی

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که اشخاص حقیقی یا حقوقی تا چه مدتی مکلف به نگهداری اصول الکترونیکی اسناد هستند؟ قانون تجارت الکترونیکی در این باره

سکوت کرده است، ولی در خصوص سوابق الکترونیکی که توسط دستگاه قضایی تشکیل می‌شود، قسمت ۳ بند ح ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه مقرر می‌دارد:

به قوه قضاییه اجازه داده می‌شود بر اساس آیین‌نامه‌ای که توسط وزیر دادگستری با همکاری دادستانی کل کشور و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تأیید رئیس قوه قضاییه می‌رسد، اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی که نگهداری سوابق آنها ضروری می‌باشد را با استفاده از فناوریهای اطلاعاتی روز، به اسناد الکترونیکی تبدیل و سپس نسبت به امحای آنها اقدام نماید، مشروط بر آنکه حداقل سی سال از مدت بایگانی قطعی آنها گذشته باشد....

امکان امحای اسنادی را که به صورت الکترونیکی تهیه می‌شوند پس از ۳۰ سال، چنین می‌توان تفسیر کرد که پس از این مدت، اسناد یادشده قابلیت استناد ندارند. این مقررات صرفاً در مورد قوه قضاییه صادق است و در مورد مدارک و اسنادی که توسط سایر اشخاص حقوقی عمومی مانند قوه مجریه و سازمانهای عمومی غیر دولتی و اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی از ابتدا به صورت الکترونیکی ایجاد می‌شوند مشکل همچنان باقی است و با توجه به نسخ مقررات راجع به مرور زمان در حیطه حقوق خصوصی، مشخص نیست که آنها تا چه زمانی مکلف به نگهداری سوابق الکترونیکی هستند.

در حقوق فرانسه مدت زمان نگهداری از اصول اسناد الکترونیکی برابر با مدت نگهداری از اسناد کاغذی است که با توجه به موضوع اسناد و با در نظر گرفتن مدت مرور زمان یا به موجب قانون تعیین می‌شود. بنابراین در مسائل تجاری، مدت نگهداری از اصول داده‌پیام ۱۰ سال و در امور مدنی ۳۰ سال است. در خصوص قراردادهای با توجه به قانون ۱۶ فوریه ۲۰۰۵ مدت نگهداری قراردادهای ۱۰ سال از تاریخ انعقاد است (Feral-Schuhl, 2006: 443-446).

سکوت قانون ایران می‌تواند مشکلات زیادی را برای شهروندان، دستگاههای اجرایی و حتی برخی بنگاههای اقتصادی نظیر بانکها و مؤسسات بیمه ایجاد کند؛ زیرا این اشخاص مجبور خواهند شد که اصول اسناد الکترونیکی را برای سالیان متمادی نگهداری کنند، امری که انرژی و هزینه زیادی را طلب خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

استفاده از ابزارهای الکترونیکی در دادرسیهای کیفری و مدنی برای جلوگیری از اتلاف وقت، انرژی و هزینه‌های غیر ضروری و نیز فوریت احقاق حق که لازمه دادرسی عادلانه است، ضرورت دارد. هر چند ضرورت‌های موجود نمی‌تواند توسل به دادرسی الکترونیکی همه‌جانبه و الزامی را توجیه کند. چنین دادرسی‌ای حتی تا دو دهه بعد نیز به دلایل فنی مقدور و بلکه مطلوب هم نیست؛ زیرا به ویژه در دادرسیهای کیفری مرتبط، فقط در یک دادرسی حضوری، امکان رعایت برخی از اصول اساسی آیین دادرسی مانند اصل برابری و عدم تبعیض وجود دارد. به علاوه، قضاوت امری انسانی است و مبادلات الکترونیکی بین طرفین دعوی و بین آنها و قاضی، نمی‌تواند نقش یک قاضی را برای کشف حقیقت ایفا کند. بنابراین در الکترونیکی شدن دادرسیها جز در مواردی نظیر رسیدگی به جرایم کم‌اهمیت، امور حسبی (غیر ترافیعی)، طلاق توافقی و... باید به انجام برخی تشریفات دادرسی با استفاده از روشهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی بسنده کرد و در این زمینه کوشید. این کوشش، باید از یک سو معطوف به فراهم ساختن زیرساختهای اداری و فنی مانند رایانه‌ای کردن اطلاعات حقوقی و غیر حقوقی و استفاده از امضا و گواهی الکترونیکی شود و از سوی دیگر، ناظر به استفاده از تمامی ظرفیتهای قانون تجارت الکترونیک، قانون جرایم رایانه‌ای و سایر قوانین مرتبط و رفع نقایص آنها و تدوین قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با استفاده از روشهای نوین و الکترونیکی در روند دادرسیهای کیفری و مدنی باشد. در این زمینه به ویژه تدوین مقررات قانونی راجع به زمان ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی، احضاریه‌ها و شکواییه‌های کیفری، دادخواستها، اعتراضات و لوایح به صورت الکترونیکی، تعیین تکلیف در مورد ابلاغ الکترونیکی واقعی و قانونی و رفع نقایص مرتبط با اصول اسناد الکترونیکی تحت عنوان «استفاده از فناوریهای اطلاعاتی یا ارتباطی در دادرسیها»، «آیین دادرسی الکترونیکی» یا عنوان مشابه دیگر ضرورت دارد. همچنین تهیه آیین‌نامه در خصوص نحوه توافق اصحاب دعوی با مراجع قضایی برای ارسال و دریافت اوراق قضایی خواه در دادرسیهای کیفری یا مدنی با استفاده از روشهای الکترونیکی، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

کتاب شناسی

۱. رضایی، علی، «اصول بنیادین حاکم بر کنوانسیون ارتباطات الکترونیکی آنسیترال»، *مجله پژوهشهای حقوقی*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۹ ش.
۲. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، *گواهی الکترونیکی و جهت گیریهای مرتبط با گواهی الکترونیکی* (نگارش فرانسه)، ژوئن ۲۰۰۷، <<http://www.oecd.org/sti/securevieprivee>>.
۳. شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی*، دوره پیشرفته، چاپ پانزدهم، تهران، دراک، ۱۳۸۶ ش.
۴. کاشانی، سید محمود، *استانداردهای جهانی دادگستری، نقد و بررسی قانون دادگاههای عمومی و انقلاب*، تهران، میزان، ۱۳۸۳ ش.
۵. کمیسیون حقوق تجارت بین المللی سازمان ملل متحد (آنسیترال)، *اعتمادسازی در تجارت الکترونیکی*، مسائل حقوقی مرتبط با استفاده بین المللی از شیوه های گواهی و امضای الکترونیکی، ترجمه ستار زر کلام، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۰ ش.
۶. گزارش توجیهی پیش نویس قانون تجارت الکترونیکی وزارت بازرگانی، مواد ۱-۱۳۱۶ تا ۷-۱۳۱۶ قانون مدنی فرانسه، ترجمه ستار زر کلام، پاییز ۱۳۸۰ ش.
۷. گلدوست جویباری، رجب و جهاندار اکبری، «عوامل ساختاری اطاله دادرسی در مراجع کیفری»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۴، تابستان ۱۳۹۰ ش.
۸. لینان دبلفون، زویه، *حقوق تجارت الکترونیک*، ترجمه و تحقیق ستار زر کلام، چاپ دوم، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۰ ش.
۹. مؤسسه بین المللی یکنواخت سازی حقوق خصوصی (UNIDROIT)، *اصول و قواعد آیین دادرسی فراملی*، ترجمه مجید پوراستاد، تهران، شهر دانش، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. مؤمن کاشانی، نوشین و مجتبی نوروزی اصفهانی، *زیرساخت کلید عمومی (PKI): مفاهیم، کاربردها و کاربری امضای دیجیتال*، تهران، مرکز توسعه تجارت الکترونیکی، ۱۳۹۰ ش.
11. Baosheng, Zhang & Xun Chen Huang, *Application and trend of digital/ electronic evidence in China's litigation*, in Colloquium of the international association of procedural law, Electronic justice - present and future, University of pécs, Faculty of law pécs (Hungary), September 2010.
12. Binet, Sophia, *Utilisation des nouvelles technologies dans le procès civile: vers une procédure civile intégralement informatisée? Mastère 2 droit processuel: contentieux et procédures d'exécution*, Faculté du droit et science politique de l'Université Lumière Lyon 2, 2005.
13. Carrington, Paul D., *Technology and civil litigation in the United States in the twenty - first century*, in Colloquium of the international association of procedural law, Electronic justice - present and future, University of pécs, Faculty of law pécs (Hungary), September 2010.
14. Edvardo de Resende Chaves Junior, Jose, *Proceeding on the web*, in Colloquium of the international association of procedural law, Electronic justice - present and future, University of pécs, Faculty of law pécs (Hungary), September 2010.

15. European Council, "Multi-annual European e-justice action plan, 2009-2013", *Official journal*, C 73,31 March 2009.
16. Feral-Schuhl, Christiane, *Cyberdroit, le droit à l'épreuve de l'internet*, Dalloz, 2006.
17. Gascón Inchausti, Fernando, *Electronic service of documents national and international aspects*, in Colloquium of the international association of procedural law, Electronic justice - present and future, University of pécs, Faculty of law pécs (Hungary), September 2010.

